

فریدریش ویلهلم نیچه

فراسوی نیک و بد

درآمدی بر فلسفه‌ی آینده

ترجمه از متن آلمانی

ترجمه‌ی دکتر سعید فیروزآبادی



ISBN: 978-964-341-244-2

یادداشت مترجم

فهرست

یادداشت مترجم.....	۵
پیش‌گفتار.....	۹
فصل نخست - در باب پیش‌داوری‌های فیلسوفان.....	۱۳
فصل دوم - جان آزاده.....	۳۹
فصل سوم - ماهیت دین.....	۶۴
فصل چهارم - گزیده‌گویی‌ها و میان‌پرده‌ها.....	۸۴
فصل پنجم - در باب تاریخ طبیعی اخلاق.....	۱۰۵
فصل ششم - دانشمندان.....	۱۲۹
فصل هفتم - فضیلت‌های ما.....	۱۵۱
فصل هشتم - اقوام و میهن‌ها.....	۱۸۰
فصل نهم - والا چیست؟.....	۲۰۸
از فراز کوه‌های بلند.....	۲۴۴

یادداشت مترجم

فریدریش ویلهلم نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) بی تردید بزرگ‌ترین فیلسوف آلمانی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم است و سخنانش با دیگر اندیشمندان معاصرش تفاوت بسیاری دارد. او، خود نیز از این نکته آگاه است و نیک می‌داند که مخاطبانش معاصران او نیستند. اکنون پس از گذشت یک قرن از مرگ نیچه تأثیر سخن او را به‌خوبی می‌بینیم. از یاد نبریم که در قرن بیستم بارها سخنانش را تفسیر و تعبیر کرده‌اند و در این راه مرتکب خطاهای فراوان شده‌اند. جالب‌ترین نکته آن است که خوانندگان آثار نیچه کمتر استادان دانشگاه بوده‌اند. خود نیچه نیز نیک از این واقعیت آگاه بوده است و حتی نخستین اثرش، زایش تراژدی، با واکنش‌های متفاوت همکاران دانشگاهی‌اش روبه‌رو می‌شود.

زایش تراژدی و بعدها تأملات نابه‌هنگام مربوط به نخستین دوره‌ی آثار نیچه است و این اندیشه بعدها با انسانی، بسیار انسانی راه انتقاد را می‌پیماید و در این راه با حکمت شادان در نهایت به‌چنین گفت‌وگوست، پراهمیت‌ترین اثر خود می‌رسد. برای درک میزان اهمیت این اثر کافی است نگاهی به آثار نویسندگان و شاعران بزرگ قرن بیستم کنیم، به‌خصوص به آثار ابتدایی نویسندگانی با گرایش‌های گوناگون فکری همانند راینر ماریا ریلکه، توماس مان، برتولت برشت و والتر بنیامین.

اما پس از نگارش چنین گفت زرتشت نوبت به فراسوی نیک و بد می‌رسد. نگارش فراسوی نیک و بد، پیش درآمدی بر فلسفه‌ی آینده را نیچه در سال ۱۸۸۵ آغاز کرد، یعنی درست آن هنگام که نتوانسته بود برای چاپ و انتشار چهارمین بخش از کتاب چنین گفت زرتشت ناشری بیابد. از این رو این واپسین بخش را به‌هزینه‌ی شخصی و شمارگانی اندک به چاپ رساند. همین موضوع سبب شده بود که نویسنده‌ی زرتشت نتواند در نخستین ماه‌های سال ۱۸۸۵ هیچ مطلبی بنویسد و حتی آرامش لازم برای بازبینی و تصحیح کارهای گذشته‌ی خود را نداشته باشد. با این حال ذهن نیچه آماده و مهیای نگارش اثری بزرگ بود که تا زمان نگارش این است انسان، واپسین اثرش، نشانه‌های آن را می‌توان دید.

در سال ۱۸۸۵ نیچه چهل و یکساله بود و غرق در فلسفه و اسطوره‌های یونان باستان می‌اندیشید که اوج زندگی خویش را در چهل سالگی سپری کرده است و به‌همین دلیل در نوشته‌های خود از این زمان به بعد، بارها از «نیمروز سترگ» یاد می‌کند و خود باور دارد که به‌سوی خزان زندگی رهسپار است. حتی در نامه‌هایش بارها خویشتن را «موجودی پیر» می‌خواند.

کسی که چنین حال و هوایی در سر دارد و پایان زندگی را بس نزدیک می‌داند، باید بکوشد ثمره‌ی شیرین زندگی معنویت را در واپسین روزهای خزان به دیگران ارزانی دارد. از این رو سراسر زمستان ۱۸۸۵ را سخت کار می‌کند و تصمیم می‌گیرد حاصل اندیشه‌ی خویش را در کتابی گرد آورد. سرانجام بیست و هفتم مارس ۱۸۸۶ به دوست و یار دیرینه‌اش پترگاست یا همان هاینریش کوزلیتس می‌نویسد:

از این زمستان بهره‌ای فراوان بردم و اثری نگاهشتم که دشواری‌های فراوانی دارد و حتی از انتشار آن گاهی می‌هراسم و

لرزه بر اندامم می‌افتد. نام این کتاب چنین است: فراسوی نیک و بد
پیش درآمدی بر فلسفه‌ی آینده
گفتنی است که در نامه‌های نیچه پیوسته می‌بینیم که او می‌کوشد انتشار آثارش را به‌سان امری غافلگیرکننده و شگرف معرفی کند. با این حال، در فراسوی نیک و بد کمتر نشانی از ستیزه‌جویی گذشته‌ی او می‌بینیم و کتابی را پیش روی خود داریم که بیشتر نظریه‌پردازی است و می‌توان آن را در کنار حکمت شادان و چنین گفت زرتشت برترین اثر او دانست.

فراسوی نیک و بد با یک پیش‌گفتار و نه فصل و یک شعر پایانی گام‌هایی مصمم برای بازسنجی ارزش‌هاست. نیچه خود در کتاب این است انسان می‌نویسد:

وظیفه‌ی سال‌های بعدی من به‌نهایت دشوار بود. پس از ایفای وظیفه‌ی تأیید، زمان نه گفتن و هیچ کاری نکردن فرا رسید، یعنی همان بازسنجی ارزش‌های مطرح تا آن زمان و جنگ سترگ و یادآوری روز تصمیم‌نهایی [...] از آن زمان به بعد نوشته‌های من قلابی برای صید است و شاید من نیز ماهیگیری را چون دیگران بلد باشم؟ اگر صیدی نکردم، تقصیر من نیست.
اصلاً ماهی وجود ندارد...

همین نکته را در پیش‌گفتار نیچه و تعبیر بسیار زیبای او درباره‌ی حقیقت می‌بینیم. اگر بپذیریم که فلسفه همان تلاش برای یافتن حقیقت است، به‌زعم نیچه «فیلسوفان تاکنون تنها کاری کودکانه و ناشیانه» انجام داده‌اند. فصل نخست نیز با عنوان «دریاب پیش داوری‌های فیلسوفان» بیان همین نکته است.

جان‌های آزاده که نیچه در کتاب انسانی، بسیار انسانی برای نخستین بار